

گزارش تپش از فداکارانی که در سال ۱۴۰۲ مدال بخشش و شجاعت بر سینه زدند

به وقت از جان گذشتگی

دنیای با وجود قهرمانانی که با فداکاری‌شان جان برخی دیگر را از مرگ حتمی نجات دادند، زیباست. برخی از این قهرمانان پس از فداکاری شاهد شیرینی و حلاوت عمل‌شان بودند اما بعضی دیگر به خاطر درگیری با شدت حادثه از دنیا رفتند، با این حال بازمانده‌ها شرح فداکاری‌شان را سینه به سینه نقل خواهند کرد؛ مثل مجتبی الهی که تا یک قدمی مرگ رفت اما جان چند نفر را نجات داد یا امیرمحمد نوجوان که با آن سن کم شجاعانه تصمیم درست گرفت و سه عضو خانواده‌اش را از دل مرگ بیرون کشید. گزارش فداکاری بسیاری از این افراد در سال ۱۴۰۲ در رسانه‌های مختلف مثل روزنامه جام جم چاپ شد که برخی از آنها را مرور می‌کنیم.

چهره‌های سال

تپش

۱۲ | ویژه‌نامه حوادث | روزنامه جام جم

چهارشنبه ۲۳ اسفند ۱۴۰۲ شماره ۱۰۵۵

نجات ۳ کودک از استخر کشاورزی

اولین قهرمان در ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۲ الیاس قربی، دامدار روستای احمدآباد خراسان رضوی است. آن روز الیاس برای چرای گوسفندانش به صحرا رفت که استخر آبی آنجا بود. پنج کودک یک و نیم تا ۱۰ ساله در آن مشغول بازی بودند. یکی از آنان داخل آب افتاد و دو دختر بچه نتوانستند او را بیرون بکشند. دختر بچه دیگر کودک در آغوشش را روی زمین گذاشت تا آنها را نجات دهد اما خودش هم گرفتار شد. پسر بچه کنار آب گریه می‌کرد که الیاس از دور متوجه او شد و پس از رساندن خود به آنجا، او را از خطر تصادف نجات داد. بعد نگاهش به استخر افتاد و جسم بی حرکت سه دختر و یک پسر را روی آب دید. احیا را شروع کرد و دو دختر ۹ و ۱۰ ساله نجات یافتند اما یک پسر و یک دختر دیگر فوت شدند.

آغوش آتش برای جوان فداکار

۲۷ اردیبهشت، شهر قنات قم هم شاهد یک تراژدی غمبار بود. محل حادثه کارگاهی بود که در آن تینر، گازوئیل و مواد آتش‌زا نگهداری می‌شد و داخل آن یک دختر و پسر خردسال مشغول بازی بودند. با اتصالی برق در کارگاه، آتش شعله‌ور شد و سپس به انبار علوفه‌ای سرایت کرد که کنارش بود. همه راه‌های فرار بسته بود. یک پسر ۱۸ ساله از اقوام آنها که صدای جیغ کودکان را می‌شنید، پتویی دور خودش پیچید و به کارگاه رفت اما خودش هم گرفتار شد و هرسه نفر جان خود را از دست دادند.

فکر بکر برای نجات از مرگ

فرشته نجاتی در لباس سبز نیروی انتظامی ۹ خرداد شگفتی خلق کرد. ستوان یکم اسماعیل خالقی در محله جمعه بازار دشتی متوجه فریادهای مردی شد که به دلیل اختلافات خانوادگی می‌خواست خانه و خودش را با بنزین آتش بزند. خالقی افراد حاضر در محل را تخلیه کرد و توانست مرد عصبانی را آرام کند. مرد همان لحظه آماده کبریت کشیدن بود که فکری به ذهن خالقی رسید. به مرد گفت آب می‌خواهد. دختر مرد برای خالقی آب آورد و در شرایطی که خالقی فقط یک متر با مرد عصبانی فاصله داشت، لیوان آب را روی قوطی کبریتی که دست مرد بود، ریخت و بلافاصله او را زمین‌گیر کرد و مانع وقوع یک حادثه مرگبار شد.

قهرمانان تراژدی شاهچراغ

۲۴ مرداد، یک تروریست تکفیری تاجیک‌تبار با یک قبضه سلاح کلاشینکف وارد شاهچراغ شد و به سمت مردم شلیک کرد اما مرد جوانی به نام بادپای در نقش منجی نمازگزاران ظاهر شد و با یک حرکت، تروریست را روی زمین انداخت و سپس نیروهای امنیتی دستگیرش کردند. کرمعلی ۶۲ ساله هم که دنبال ویلچر برای زائران می‌گشت، با دیدن تروریست سعی کرد مانع حرکتش شود اما او به سمت پیرمرد نیز شلیک کرد. این حادثه تروریستی قهرمان کوچکی هم داشت که فیلم آن پخش شد. در زمان فرار زائران، مردی توان از دست داده و کنار دیوار نشست که پسر بچه‌اش با دیدن او برگشت تا کمک کند.

سرباز فداکار پلیس راه

مدال افتخار شجاعت به سینه سبحان موسایی، سرباز ۲۰ ساله پلیس راه کوهرنگ چهارمحال و بختیاری هم نشست. ۱۲ آبان او مشغول گشت زنی در منطقه بود که متوجه شد خودروی ۴۰۵ یک زن و شوهر به رودخانه ای با عمق پنج متر سقوط کرده است. در آن شرایط هیچ کس جرات نداشت درون آب بپرد و در حالی که زوج میانسال تنها یک قدم با مرگ فاصله داشتند، او به درون آب پرید و هردو نفر را نجات داد.

انسانیت مهم‌تر از جان

مجتبی الهی، ۲۳ ساله و اهل خراسان جنوبی

ناجی ۱۶ ساله آسمانی شد

امیرمحمد انصاری، نوجوان ۱۶ ساله هم جان مادر و دو خواهر ۱۰ و ۱۲ ساله‌اش را از آتش نجات داد. حادثه دوم بهمن اتفاق افتاد. پدر از خانه بیرون رفته بود و امیرمحمد با پریدن از خواب، متوجه آتش شد. هیتر برقی خانه اتصالی کرده و آتش هر لحظه شعله‌ور می‌شد. امیرمحمد، مادر و یکی از خواهرانش را از خانه بیرون برد اما خواهر کوچک‌ترش را نتوانست بیرون ببرد و او را به اتاق برد تا از آتش در امان باشد. ناگهان کولر برقی از سقف جدا شد و در ورودی خانه را مسدود کرد. خواهر کوچک‌تر را همسایه‌ها از پنجره خانه نجات دادند اما امیرمحمد بر اثر سوختگی شدید آسمانی شد.

هم از مردانی بود که اول آذر شجاعت را به تصویر کشید. روز حادثه متوجه تصادف دو پرایدی شد که سرنشین یکی از خوددرو چهاردانش آموز بودند. با این‌که هر لحظه ممکن بود خوددرو منفجر شود، دونفر از دانش‌آموزان را نجات داد اما دونفر دیگر به دلیل انفجار در آتش شدند و خود مجتبی هم دچار سوختگی شد.

نجات از دود و آتش

مسلم راهپیمایی، جوان اهل کازرون هم قهرمان مرد شهرش شد. ۷ آذر ۱۴۰۲ وقتی ساختمان پنج طبقه‌ای که خودش هم در آن ساکن بود، آتش گرفت، همه جا پر از دودی خفه‌کننده شد. دختر هشت ساله و مادر بزرگ ۸۰ ساله‌اش همسایه‌اش بودند که به در خانه آنها رفت و هردو را از آتش و دود خارج کرد. یکی دیگر از همسایه‌ها پیرزنی بود که بر اثر استنشاق دود بی‌حال شده بود، مسلم در خانه را شکست و او را نیز نجات داد.

قهرمانی از دل سیلاب دشتیاری

الهی بخش نوحانی، ناخدایی بود که در واویلای سیلاب دشتیاری جان پدر و پسر را از مرگ نجات داد. او آن روز در روستای دمپ‌بازار بود که یکی از دوستانش با او تماس گرفت و برای نجات پدر و پسر رفت که از ترس سیلاب بالای درخت خرما رفته و یک شبانه‌روز آنجا بودند. نوحانی وقتی به محل رسید، پدر و پسر با گریه به او التماس کردند که نجات‌شان بدهد. نوحانی نیز جانش را کف دستش گرفت و با این‌که جریان سیلاب خیلی شدید بود اما هردو را نجات داد.

